

حمایت شاه امان الله از قبایل آزاد ،

عاملی برای اغتشاش خوست !

یکی از وظایف اهل تحقیق و تاریخ اینست که وقتی بر اسنادی دست می یابند که میتواند دیدگاه انسان را نسبت به یک رخداد تاریخی عوض کند ، می باید آنرا از طریق رسانه های جمعی با دیگران شریک نماید تا آن رخداد بروی روزآمده [آپدیت شده] باشد. در کتاب "سلطنت امان الله شاه و استقلال مجدد افغانستان" اختاریه ئی شدیدالحنی از جانب وزارت خارجه انگلستان بدولت افغانستان در رابطه به قطع حمایت از قبایل سرحد درج شده که یک ماه قبل از اغتشاش خوست در جراید هند برتانوی انتشار یافته بود.

اسناد و شواهد کتبی گواهی میدهند که شاه امان الله بعد از کسب استقلال هیچگاهی دست از حمایت از قبایل آنسوی خط دیورند نگرفت و پیوسته در اندیشه آزادی قبایل از زیرسلطه انگلیس ها بود؛ نه تنها در فکر آزادی قبایل ، بلکه در فکر قیام و آزادی ملت بزرگ هند نیز بود.

پس از تصدیق استقلال افغانستان از سوی انگلیسها، شاه امان الله همواره مردم قبایل آنسوی خط را مورد توجه و مساعدت های مادی و معنوی دولت خویش قرار میداد. در اینجا به اقتباس پیام شاه عنوانی قبایل می پردازم که شاید برای بسیاری از افغانها تازه و ناشنیده مانده باشد:

متن پیام :

"برادران دلیر، شجاع، باشهامت و با غرور سرحدی من!

جد و جهد های شجاعانه ی که شما در مبارزه با دشمن دین و کشور خود کرده اید، هنوز در خاطره ام زنده اند. سوگند و عهد و پیمان شما برای حفظ آبرو و ننگ تان و عزت کشور تان، که شما آنرا به بهای زندگی خود نجات دادید، تحسین مرا بر می انگیزاند. دلیل اصلی منازعه بین من و جانب دیگر (انگلیس) حل مسأله سرحدات بوده است. بعد از مدت های طولانی ما صلح موقتی را برای سه سال عقد نمودیم. آنهم به طوریکه جانب مقابل ناگزیر گردید بالا دستی مرا بپذیرد. من صاف و پوست کنده و واضح برای جانب مقابل روشن ساختم که مردمان ساکن در مناطق سرحدی خویشاوندان همخون من اند و نباید آنان را با هیچ وسیله یی از من جدا کنند و تا زمانی که آنها از رفتار جانب مقابل رضایت نداشته باشند، صلح قابل تصور نخواهد بود. در طول سه سال آینده، دشمن ما باید ثابت کند که آیا میخواهد به طور جدی و صادقانه با من در صلح زندگی کند یا نه؟ اگر دشمن به قول خود وفادار بماند و صادقانه مطالبات مرا انجام دهد، صلح پایدار خواهد بود، در غیر این صورت، ما دوباره جرگه یی را برای اتخاذ تصمیم در باره اقدامات بعدی خود برگزار خواهیم کرد. بنابر این، من از شما خواهش میکنم در طول این سه سال روابط مسالمت آمیزی با دشمن

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

داشته باشید و مناسبات تان با یک دیگر در میان خود تان باید مانند برادر دوستانه باشد. از بارگاه پروردگار رفاه و سعادت شما را استدعا دارم. آرزومندی، مقصد و وظیفه من این است که برای بهبود شرایط زندگی تان بکوشم. " (پروفیسوری تیخاتف، نبردافغانی استالین، ترجمه عزیز آریانفر، ص ۳۷۱)

بنابرنوشته محقق افغان داکتر عبدالرحمن زمانی، پس از جنگ استقلال، قبایل پشتون ۶۰۰ مرتبه بر نیروهای انگلیس در مناطق قبایلی حمله کردند که در اثر این حملات ۳۰۰ تن انگلیس کشته و ۴۰۰ تن زخمی شدند و ۴۳۶ تن انگلیس را اختطاف کردند. (داکتر عبدالرحمن زمانی، په آزادسرحد کی خپلواکی غوشتونکی مبارزی او دمومندو په مشهور غزاگانو کی دغازی میرزمان خان ونده، چاپ موسکا خپرندویه موسسه، ۱۳۸۸)

نویسنده امریکائی، ریه تالی ستوارت، در کتاب خود (آتش در افغانستان) میگوید: «انگلیس ها از پشتی بانی امان الله خان از قبایل و از آزادی خواهان هند ناراضی بودند. انگلیس هامکاتبات بین وزیر خارجه (محمود طرزی) و غلام حیدر، آمر پوسته خانه افغانستان در پشاور و مکاتبات بین طرزی و سردار عبدالرحمن خان نماینده افغانی در هند را به دست آورده بودند و این مکاتبات همکاری افغانستان را با آزادی خواهان هندی نشان میداد. مزید بر آن مکاتبات بین امان الله خان و عبیدالله وزیر حکومت جلالی وطن هند را نیز به دست آورده بودند، در یکی از این اسناد عبیدالله و همکار وی ظفر حسین از تمام هندیها تقاضا کرده بودند که در آینده با افغانها در حمله شان علیه برتانیه کمک نمایند، انگلیس ها را به قتل برسانند، خطوط آهن، تلگراف و غیره را مورد حمله قرار بدهند و یک رابطه نزدیک بین ناسیونالیستهای هندی در خارج هند و نماینده امان الله خان حکیم اسلم و مولوی منظور وجود داشت. (ریه تالی ستوارت، آتش در افغانستان، صص ۲۲۳-۴۳۲)

بر اثر چنین تحرکاتی بود که هلمتن گران، مامور وزارت خارجه انگلیس به دولت افغانستان اخطار داد که اگر در ظرف یک هفته حکومت افغانستان در مناطق سرحد شمال غربی کاری نکند که اسباب رضایت حکومت هند برتانوی را فراهم آورد، دست به بمباردمان مناطق افغانستان و حتی شهر کابل خواهد زد.

پوپلزائی در تاریخ خود (سلطنت امان الله شاه و استقلال مجدد افغانستان، بخش دوم) زیر عنوان «**اظهارت سرهلمتن گران عضو وزارت امور خارجه انگلیس راجع به افغانستان**» مینویسد که: «در برج قوس ۱۳۰۲ ش [نومبر ۱۹۲۳] دولت انگلستان مخالفت شدید خود را به دولت افغانستان مستقل ابراز نمود. جریده **زمیندار** بیانات سرهلمتن گران را که یکی از رجال معروف انگلیس و زمان زیادی زمامدار امور خارجه هند برتانوی بود، مطالب آتی را بدست نشر سپرد: «**در سرحد شمال غربی از دست قاتلین یک وضعیت غیر قابل تحمل ایجاد گردیده است و می باید که در این مسئله اقدام جدی و فوری بعمل آید. مشکلات امیر را بخوبی میدانیم لیکن همجواری تقاضا میکند که بایستی بر این مشکلات فایق آید، و باید بداند که اگر در ظرف یک هفته اقدام رضایت بخشی ننمود وزیر مختار خود را از کابل احضار خواهیم کرد و مردم افغان را هم واپس میفرستیم. تمام دروازه ها را مسدود کرده**

وتجارت را قطع خواهیم ساخت. مثل آفت سماوی به علاقه جات افغانستان واگر ممکن شود الی کابل بذریعه طیارات حمله خواهیم کرد. من تقریباً بیست سال با افغانستان دوست بودم ومحاربه با افغانستان را از هرچیز بدتر میدانم ولی وضعیت کنونی غیر قابل تحمل است وما نباید از شروع محاربه جدید مخوف گردیم از اقدام منصفانه خود را بازداشته برسرامنیت برقرار نکنیم؟» (پوپلزائی، سلطنت امان الله شاه، بخش ۲، ص ۴۳)

این پروتست مقدمه اغتشاش خوست بسرکردگی ملای لنگ بود. آنهای که دست انگلیس را در اغتشاش خوست دخیل نمیدانند، بنابر این سند پوپلزائی مرتکب اشتباه شده اند. روایت معمولی قبل ازین پروتست این بود که علت انرا انفاذ قانون جزا میدانستند که به دختران حق میداد در صورتی که به ازدواج با نامزد خودراضی نباشد نکاح صورت گرفته نمیتواند، بنابراین ملای لنگ قانون را در دستی و قران را در دستی گرفته در میان مردم فریاد میزد: گدام یک را قبول دارید؟ و مردم میگفت قرآن را. مگر علت اصلی شورش تحریکات انتقام گیرانه انگلیس از شاه امان الله بودتا دست از حمایت قبایل و آزادیخواهان هند بگیرد.

پوپلزائی در ادامه این پروتست از کشف اشتھاری [شب نامه ئی] در کابل خبر میدهد که توسط ملای لنگ بردیوارهای مسجدپل خشتی نصب شده بود. او مینویسد: «ملا عبدالله "مشهور به ملای لنگ" در برج قوس ۱۳۰۲ ش از سمت جنوبی وارد شهر کابل شده واشتهاری را که بقلم نوشته شده بود در حصه مسجد پل خشتی کابل متصل معبر عام در اخفا بدیوار آویخت.» در این ورقه اعتراضات زیادی با عبارات نهایت زشت نسبت به طرز کار روائی سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه نموده بود.

پولیس کابل در همان روز ورقه مذکور را از دیوارها کنده بمقامات امنیتی سپردند و با آنکه این اسرار کشف گردید، مگر عامل آن شناخته نشد تا آنکه در برج جدی سال ۱۳۰۳ ش بعد از دستگیری ملای لنگ این راز معلوم گردید. (پوپلزائی، همان اثر، ص ۴۴)

پوپلزائی علاوه میکند که، به دنبال کشف شب نامه ملا عبدالله، اخبار سول ایندملتری گزت، در برج جدی سال ۱۳۰۲ ش (جنوری ۱۹۲۴م) نوشت: «اشخاصی که از افغانستان وارد هندوستان میشوند اطلاع میدهند که در افغانستان هشت نفری حواله شده اشخاص را جبراً داخل عسکری میسازند. مردم منگل از این حکم سرپیچی نموده حاضر نشدند که داخل عسکری شوند وبمقام مخالفت ایساده اند و حکومت هم در مقابل این سرپیچی آنان چیزی نتوانسته سکوت ورزیده و از این تصمیم مردم منگل روح عسکریت افغان معلوم میشود که چه اندازه است؟» (پوپلزائی، سلطنت شامان الله واستقلال، بخش ۲، ص ۴۵)

بدینسان معلوم میشود که اغتشاش خوست به تحریک انگلیسها در ضدیت با کمک ها و حمایت های دولت افغانستان از قبایل آزاد براه افتاده بود که مدت یک سال دوام کرد و ضربات محکمی بر پیکر اقتصادی ونیروهای دفاعی کشور وارد نمود.

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

ریه تالی استوارت نویسنده امریکائی مینویسدکه: « دست زدن های حکومت افغانستان در بین قبایل

سرحدی همیشه باعث ناخوشنودی برتانیه با حکومت افغانستان بود. ریاست قبایل پول گزافی به قبایل آنطرف سرحد میداد تا آنها را علیه برتانویها بشوراند و انگلیسها تصور میکردند که این پول ها را شورویها ارسال میکنند تا به قبایل داده شود. بر علاوه امان الله خان از مسترد کردن اشخاص مجرم که از آن طرف سرحد به افغانستان پناه می آوردند، ابا می ورزید و زمینه کشمکش را با برتانیه آماده میساخت. افغانستان همواره از انگلیس میخواست تا در مورد قبایل با آنها مذاکره نماید، اما انگلیس ها از مذاکره در مورد قبایل شانه خالی مینمود و افغانها از این سیاست سخت ناراحت بودند.

انگلیس ها برای چندین سال از بکار بردن کلمه اعلیحضرت به امان الله خان ابا ورزیدند و از معاهده تجارتي بین افغانستان و ایتالیا به حکومت ایتالیا اعتراض کردند و گفتند که هنوز افغانستان در ساحه نفوذ انگلیس قرار دارد. هیئت محمولی خان را دراروپا پذیرائی کردند، مگر انگلیس ها نپذیرفتند که محمولی خان باشاه انگلیس دیدار داشته باشد. به محمودطرزی در سرحد هند برتانوی اجازه دخول ندادند و گفتند که اعتبار نامه قانونی ندارد. هنگام سفر امان الله خان به اروپا ویسرای هند به بهانه مریضی به پذیرائی او به بمبئی نرفت و در انتقال اموال به خصوص اسلحه به افغانستان مشکلاتی ایجاد کردند. در هنگام شورش خوست، انگلیس ها از ورود اسلحه خریداری شده از آلمان و فرانسه به افغانستان ممانعت کردند، طرزی سفیرافغانستان در پاریس علیه این قیودات بی مورد انگلیس ها و مداخله در امور یک کشور آزاد اعتراض نمود. ترکیه، ایران و افغانستان در اساس با انگلیس ها دشمنی داشتند.

انگلیس ها افغانستان آزاد و عصری را تهدیدی به حکمرانی شان در هند میدانستند. سفیر انگلیس از پالیسی ملی امان الله خان خوشنود نبود و هم شخصاً از وی متنفر بود. چون همه این چیزها در همفری جمع شده بود، لذا وزیرمختار انگلیس درکابل مقرر گردید. او درسال ۱۹۲۲ به کابل آمد و تا ۱۹۲۹ که گلیم امان الله خان و مشروطه خواهان را جمع نمود، در کابل بود. وی یک افسر نظامی انگلیس در سرحدات قبایل و شخص بسیار زرنگ و ماهر و دشمن شماره یک امان الله خان و محمودطرزی بود. حتی برای طرزی ویژه ترانزیت از طریق هند داده نشد، به این بهانه که در افغانستان شورش رخ داده، طرزی از پاریس بسوی کابل از طریق هند سفر میکرد. ("ریه تالی استوارت، آتش در افغانستان، صص ۲۳۰-۴۴۲)

در واقع یکی از دلایل سقوط شاه امان الله، همین سیاست حمایت از قبایل آنسوی خط درقیام های پی در پی علیه حکومت هند برتانوی بود که نمیگذاشت آب از گلوی استعمارگران بخوشی فرو برود. پایان ۲۰۲۲ / ۵ / ۳۰

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ